

عنوان مقاله:

خوانش سیاسی آثار گلشیری با رویکرد بینامتنیت با تکیه بر آینه های دردار

محل انتشار:

دوفصلنامه پژوهش های بین رشته ای ادبی، دوره 4، شماره 7 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 38

نویسندگان:

عیسی سلیمانی - استادیار زبان و ادبیات فرانسه، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ولایت، ایرانشهر،
ایران. seepantilaa@gmail.com

محمدحسین جواری - استاد ادبیات تطبیقی و زبان و ادبیات فرانسه، گروه زبان و ادبیات فرانسه، دانشکده زبان های خارجی، دانشگاه
تبریز، تبریز، ایران. mdjavari@yahoo.fr

خلاصه مقاله:

هر نویسنده ای که با سیاست و تاریخ و قدرت درگیر باشد، به ناچار بازتاب آنها در آثارش هست، و چون گلشیری نویسنده ای بود که مدام به تاریخ ایران بیشتر از طریق متون معتبر نظر داشت، هم از طریق بینامتنیت با آثار کهن سود می برد و هم خوانش سیاسی خودش را در آثارش وارد می کرد. نقد سیاسی و مارکسیستی بیشتر ملهم از آثار مارکس و انگلس هستند، و تقریباً همه ی منتقدان سیاسی قرن بیستم متأثر از این دو نفر بوده اند. و جالب اینکه آثار ادیبان بزرگ ما همچون حافظ و فردوسی را می توان از منظر سیاسی خواند. هوشنگ گلشیری که علاقه مند به آثار اینها بوده و به نوعی دنباله رو اینها بوده، آثاری سیاسی نوشته است. و وقتی به لایه های آثار او دقیق بشویم می بینیم او یکی از سیاسی ترین نویسندگان ایران معاصر است. ما در این مقاله نشان می دهیم که آثار او را می توان هم از منظر نقد سیاسی خواند و هم از منظر بینامتنیت که مفهومی برآمده از کارهای فرمالیست های روس و مخصوصاً میخائیل باختین است که نویسنده و متفکری سیاسی بود. این مفهوم معنایی متنوع و گسترده دارد و از منظرهای متفاوت منتقدانی چون کریستوا و ژنت و بارت معنایش فرق می کند. نظر ما بیشتر نگاه مارک آنژنو است که تمرکزش روی نتیجه ی رویکرد بینامتنی است، چون تولید ادبی اساسی را وارد شبکه ای از تعامل مقررات گفتمانی اجتماعی می کند. این نگرش دید تازه ای نسبت به جایگاه امر ادبی در فعالیت نمادین دارد و اساس توجه ما در این مقاله بیشتر همین تعاملات در جامعه ی سیاسی است.

کلمات کلیدی:

خوانش سیاسی، بینامتنیت، گلشیری، تاریخ، آینه های دردار

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1449951>

